

بررسی نقش جشن‌های برگزار شده در آذربایجان دوره رضاشاه پهلوی از منظر اشاعه سبک زندگی جدید

غلامعلی پاشازاده^۱

جعفر قلی‌پور^۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین سازوکارهای نهادها و محافل فرهنگی وابسته به قدرت پهلوی اول برای بسترسازی گفتمانی سبک زندگی مدنظر حاکمیت، بهره‌گیری از برگزاری جشن بود تا هم منجر به آشنایی، انس و آمادگی مردم نسبت به مؤلفه‌های سبک زندگی، نمادهای فرهنگی و الگوهای رفتاری تبلیغی دولت پهلوی اول شود و هم زمینه‌ساز و تسهیل‌گر اتخاذ سبک زندگی اشاعه‌شده از سوی اقشار مختلف مردم باشد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش جشن‌های برپاشده در ایالت آذربایجان در محدوده زمانی ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ش در اشاعه مؤلفه‌های سبک زندگی مدنظر دولت رضاشاه انجام شده است. برای این منظور جشن‌های گوناگون برگزار شده در این منطقه از کشور با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و بررسی اسناد و منابع تاریخی مرتبط با آن دوره مورد بررسی قرار گرفته است تا بدین سؤال پاسخ دهد که جشن‌های برگزار شده در مناطق مختلف آذربایجان در دوره رضاشاه چه نقشی در بازنمایی وجوه مختلف سبک زندگی تبلیغ شده داشتند؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که برپایی جشن‌های مختلف در مناطق مختلف آذربایجان به نظام سیاسی حاکم این فرصت را داد تا بتواند برخی از مهم‌ترین عناصر سبک زندگی مدنظر خود همچون الگوهای رفتاری شامل پوشش لباس متحدالشکل جدید برای اقشار مختلف و زنان جامعه آذری، عناصر هویت ملی از

gh_pashazadeh@yahoo.com

jafargholipor@yahoo.com

۱. دانشیار دانشگاه تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تبریز، ایران

قبیل اشاعه زبان و ادبیات فارسی و...، نمادهای ملی و فرهنگی مثل «شاه نماد ایران»، «باستان‌گرایی نماد ملیت ایرانی» و... را ترویج، اشاعه و بازنمایی کند تا از قیل آن‌ها برای دستیابی به اهدافی همچون ایجاد گسست در علقه‌های هویت قومی و محلی مردم آذربایجان و ادغام فرهنگ بومی و محلی این منطقه در هویت و فرهنگ ملی و مرکزی، همسو کردن آن‌ها با برنامه‌های اصلاحی پیاده‌شده در جامعه، تهییج احساسات توده مردم و کاستن از مخالفت‌ها، اشاعه مؤلفه‌ها و عناصر ایدئولوژیکی نظام، شکل‌دهی به نوع جدیدی از جامعه‌پذیری همگانی و درنهایت نیل به فرایند ملت‌سازی خود بهره‌بردار.

کلیدواژه‌ها: دولت رضاشاه، آذربایجان، جشن‌های دولتی، سبک زندگی.



***Investigating the Role of Celebrations Held in Azerbaijan
during the Reign of Reza Shah Pahlavi from the
Perspective of Spreading a New Lifestyle***

Gholam Ali Pashazadeh¹

Jafar Gholipour²

Abstract

One of the most important mechanisms of cultural institutions and circles affiliated with the first Pahlavi power, to lay the ground for the ruling lifestyle discourse, was to use the celebration to familiarize the people and make them ready to accept the lifestyle components, cultural symbols and propaganda behavioral patterns of the first Pahlavi government. It could be the basis and facilitator of adopting the lifestyle spread by different sections of the people. The aim of this study was to investigate the role of celebrations held in the province of Azerbaijan in the period 1304 to 1320 (AH) in disseminating the components of the lifestyle considered by Reza Shah's government. For this purpose, various celebrations held in this region of the country have been studied using a descriptive-analytical method. A review of the documents and historical sources related to that period was done to answer the question of What celebrations were held in different regions of Azerbaijan during the reign of Reza Shah? Did they play a role in representing different aspects of the advertised lifestyle? Findings show that holding various celebrations in different parts of Azerbaijan gave the ruling political system the opportunity to be able to consider some of the most important elements of their lifestyle, such as: Behavioral patterns including new uniforms for different sections and women of Azeri society. They wanted to promote, disseminate and represent elements of national identity such as the spread of Persian language and literature, national and cultural symbols such as "Shah symbol of Iran", "archeology of the symbol of Iranian nationality", etc in order to achieve some objectives such as: creating a rift in the ethnic and local identity of the people of Azerbaijan and integrating the indigenous and local culture of this region in the national and central identity and culture, aligning them with reform programs implemented in society, stimulating the feelings of the masses and reducing opposition. They wanted to disseminate the ideological components and elements of the system, form a new type of public socialization and finally achieve the process of nationalization.

Keywords: Reza Shah's Government, Azerbaijan, Government Celebrations, Lifestyle.

1. Associate Professor, University of Tabriz, Iran (Corresponding Author)

gh_pashazadeh@yahoo.com

2. PhD student in History, University of Tabriz, Iran

jafargholipor@yahoo.com

مقدمه

در طول تاریخ، برپایی جشن (یزشن/ایسن) در فرهنگ ایرانی از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است تا جایی که به یکی از عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ ایرانی و ویژگی‌های متمایزکننده آن تبدیل شده است. از این رو، در هر دوره تاریخی، دولت حاکم بر جامعه ایرانی تلاش نموده است تا از فرصت مناسبت‌های مختلف، برگزاری جشن‌ها و مراسم گزینشی به‌عنوان ظرفیت و بستری مهم برای پیشبرد اهداف، تبلیغ آرمان‌ها، ترویج ارزش‌های نظام مستقر و معرفی الگوهای رفتاری مدنظر خود در جامعه بهره‌برداری نماید. در دوره رضاشاه نیز کارگزاران فرهنگی و سیاسی نظام سیاسی پهلوی سعی کردند تا در غیاب وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های مدرنی همچون سینما، تلویزیون و... برای پیشبرد سیاست فرهنگی خود و به کرسی نشاندن ارزش‌های بنیادی گنجانده‌شده در ایدئولوژی رسمی حکومت از جمله:

- تمرکزگرایی
- ترویج الگوهای ملی‌گرایانه (ایران‌گرایی و شاه‌پرستی)
- تشویق و ترویج سبک زندگی جدید (به‌ویژه در حوزه طرز پوشش و ظاهر، نوع و نحوه صحبت کردن و...)
- غرب‌گرایی
- سکولاریسم و... برپایی جشن‌ها، گردهمایی‌ها و جلسات رسمی و گزینشی در مناطق مختلف کشور از جمله آذربایجان را در اولویت کاری خود قرار دهند تا بلکه در بستر یک فرایند سنتی و تاریخی، مهم‌ترین شئون و شقوق سبک زندگی مدنظر خود را در بین مردم جامعه بازنمایی، برجسته‌سازی و فرهنگ‌سازی نمایند و بدین‌وسیله بتوانند به قول کاظم‌زاده، به تولید «حس ملیت» یعنی زنده کردن ایرانیت با تمام شئون آن در دایره مقتضیات تمدن جدید، در آن‌ها نائل آیند (کاظم‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۹).

به همین منظور هم نهادهای دولتی و فرهنگی فعال در مناطق مختلف آذربایجان از قبیل ادارات معارف، کانون بانوان، سازمان پرورش افکار و... مأموریت یافتند تا یکی از

مهم‌ترین وظایف خود را بر اشاعه ابعاد مختلف سبک زندگی جدید با توسل به برپایی جشن‌های مختلط، گردهمایی‌ها، سخنرانی‌ها، نمایش‌های عمومی و... تعریف کنند. برای مثال در بند پنجم اساسنامه سازمان پرورش افکار آمده بود که در راستای تغییر افکار عمومی مناطق مختلف کشور و آماده‌سازی آن‌ها برای پذیرش سبک زندگی مدرن و جدید، سازمان می‌تواند از ابزارهایی همچون؛ سینما، موسیقی، کتاب، سخنرانی عمومی، نمایش و سرودهای میهنی و... استفاده کند (دلفانی، ۱۳۷۶: ۲).

اما این‌که جشن‌های برگزارشده در مناطق مختلف آذربایجان در دوره رضاشاه چه نقشی در اشاعه وجوه مختلف سبک زندگی تبلیغ‌شده داشتند؟ و سبک زندگی بازنمایی شده از چه ویژگی‌ها و مختصاتی برخوردار بود؟ ازجمله مسائلی است که تمرکز اصلی این پژوهش معطوف بدان‌هاست. البته گفتنی است که در این جستار، بیشتر جشن‌هایی که با هدف تغییر در سبک زندگی بومی و محلی مردم آذربایجان و تبلیغ و ترویج سبک زندگی فرهنگی مدرن برگزارشده‌اند، طرح و بررسی می‌شوند.

درباره پیشینه تحقیق هم گفتنی است تا جایی که نگارندگان جستجو کرده‌اند هرچند که در آثاری همچون؛ «سازمان پرورش افکار، مجموعه سخنرانی‌ها، آهنگ‌های موسیقی، نمایشنامه‌ها و سرودهای پرورش افکار»، منتشره توسط دبیرخانه سازمان پرورش افکار، «دولت و فرهنگ در ایران؛ ۱۳۰۴-۱۳۲۰» محمدعلی اکبری، «آذربایجان در اوایل دوره پهلوی» توحید ملک‌زاده، «تاریخ فرهنگ آذربایجان» محمدعلی صفوت، «سازمان پرورش افکار» و «فرهنگ‌ستیزی در دوره رضاشاه، (اسناد منتشرنشده سازمان پرورش افکار)» محمود دلفانی، «تبارشناسی هویت جدید ایرانی» محمدعلی اکبری، «سازمان پرورش افکار و تلاش برای تغییر سبک زندگی در عصر رضاشاه پهلوی» سلماسی‌زاده و همکاران، «درآمدی تحلیلی بر سیاست‌های فرهنگی و مذهبی پهلوی اول و دوم» الهام ملک‌زاده و محمد بقایی و همچنین در رساله «سیاست فرهنگی دولت پهلوی اول در کردستان» حسین رسولی تا حدودی به جشن‌های برگزارشده در دوره رضاشاه در ایران و برخی از مناطق کشور و اهداف آن‌ها پرداخته‌شده اما تاکنون پژوهش مستقلی در رابطه با نقش جشن‌ها و مراسم گوناگون برگزارشده در دوران پهلوی اول به‌ویژه در آذربایجان آن هم از منظر اشاعه سبک

زندگی مدنظر دولت انجام‌نشده است. از این رو جستار حاضر سعی کرده است تا با بررسی اسناد و منابع تاریخی موجود، بخشی از خلأ موجود در رابطه با موضوع را جبران و راه را برای تحقیقات بعدی هموار سازد.

جشن‌های برگزار شده در آذربایجان

از آنجایی که کارگزاران محلی دولت رضاشاه در آذربایجان بنا را بر آن گذاشته بودند تا برپایی جشن‌ها و برگزاری گردهمایی‌ها و جلسات سخنرانی‌های هدفمند را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تکنیک‌های تبلیغاتی برای به حاشیه راندن مؤلفه‌های سبک زندگی بومی و سنتی مردم آذربایجان و برجسته‌سازی عناصر و ارزش‌های سبک زندگی مدنظر حکومت قرار دهند، از این رو، برگزاری جشن‌های مختلف به هر بهانه و مناسبتی در اولویت کاری مقامات محلی قرار گرفت (شیری‌آذر، ۱۳۸۶: ۱۳۸). از مهم‌ترین جشن‌های گزینشی برپاشده در آذربایجان دوره پهلوی اول می‌توان به دو نوع:

- جشن‌های مربوط به شخص اول مملکت یعنی رضاشاه در رویدادهایی همچون ۳ اسفند ۱۲۹۹ (سالگرد کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹)، ۳ آبان ۱۳۰۲ ریاست وزرایی سردار سپه، ۲۴ اسفند ۱۲۵۶ سال روز تولد رضاشاه، ۴ اردیبهشت سال ۱۳۰۵ سالروز تاج‌گذاری رضاشاه و ...
- و جشن‌های فرهنگی و اجتماعی و به مناسبت‌هایی از قبیل: ۱۲-۱۶ مهر ۱۳۱۳ به مناسبت هزاره فردوسی و کنگره بین‌المللی هزاره فردوسی، ۱۷ دی ۱۳۱۴ کشف حجاب و نهضت بانوان، جشن‌های مرتبط با معارف از قبیل ۱۵ بهمن ۱۳۱۴ تأسیس دانشگاه تهران و جشن‌های پرورش افکار و... اشاره کرد که به بهانه هریک از آنها جشن‌هایی در اقصی نقاط آذربایجان برپا می‌شد. برای مثال در سال ۱۳۰۵ به مناسبت سالروز تاج‌گذاری رضاشاه، مجالس جشن مختلفی در خیابان جدید، باغ ارک، دارالتربیه، منزل سرهنگ پاشاخان، رئیس نظمیه به همراه تزئین شهر و چراغانی خیابان‌ها از سوی والی وقت آذربایجان (علی محمد بنی‌آدم) تدارک دیده شد (ایران، ش ۲۰۹۹، ۱۳۰۵/۲/۸: ۲). یا در روزهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴ اسفند خیابان‌های تبریز به بهترین طرز آذین‌بندی و چراغانی شده و طی این سه روز، جشن بزرگی از طرف

عموم اهالی برپا شد (اطلاعات، ش ۲۷۴۱، ۱۳۱۵/۱/۶: ۳). همچنین به مناسبت هزاره فردوسی، کمیسیون جشن فردوسی، جشن‌های مختلفی را از ۱۴ مهرماه تا ۲۰ مهر ۱۳۱۳ ش. در تبریز و شهرهای مختلف آذربایجان تدارک دیده بود (اطلاعات، ش ۲۳۰۳، ۱۳۱۳/۷/۱۰: ۳) که اوج آن‌ها برای روز ۱۹ مهرماه ۱۳۱۳ ش پیش‌بینی شده بود چراکه جشن مجللی با حضور همه اقشار مردمی به همراه برنامه‌های مختلفی از سخنرانی، نمایش، همراه با موزیک و ارکستر و آتش‌بازی و ... در باغ گلستان منعقد شد (همان). اهمیت این قبیل جشن‌ها تا جایی بود که برخی از روزنامه‌های محلی همچون شاهین، جشن‌های مرتبط با رضاشاه را بزرگ‌ترین عید ملی ایرانیان معرفی می‌کردند چراکه از دیدگاه آن‌ها، از آنجایی که شخص رضاشاه مقتدرتر از همه شاهان تاریخ ایران بوده است، بنابراین ۳ اسفند را مهم‌ترین عید ملی ایرانی‌ها معرفی می‌کردند (شاهین، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۱۵: ۱).

سبک زندگی؛ تعاریف و مؤلفه‌ها

در این‌که چه چیزی منشأ و عامل پیدایش سبک زندگی^۱ است، هیچ توافقی وجود ندارد اما تأثیر عوامل مختلفی از قبیل؛ نظام سیاسی، طبقه، عوامل اقتصادی، ارزش‌ها، تحصیلات، جنسیت، سن، شغل، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و غیره بر شکل‌گیری سبک زندگی‌های مختلف مسلم است شیوه زندگی نزدیک‌ترین مفهوم سبک زندگی است. نظریه‌پردازان بسیاری، تعاریف متعددی از سبک زندگی ارائه داده‌اند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها در جدول زیر آورده شده است:

کارکردها	چیستی	تعریف	نظریه پرداز
هویت فردی	روانشناسی شخصیت	کلیت ارزش‌ها، احساسات، دانش، اعمال معنی‌دار	آدلر ۱۹۵۶
تمایز	شیوه زندگی اجتماعی و اقتصادی	قواعد مصرف کالاها و اشکال روابط اجتماعی مرسوم در بین گروه‌ها	وبر ۱۹۶۸
روایت هویت	عملکردهای روزانه	مجموعه‌ای از عملکردهاست که فرد برای رفع نیازهای جاری و عینیت‌بخشی به هویت خود در برابر دیگران به کار می‌گیرد	گیدنز ۱۹۷۸
فرهنگ	الگوی فرهنگی	الگوی انتخاب فرهنگی است	پترسون ۱۹۸۳
ساخت هویت، تعلق اجتماعی	مجموعه‌ای از نمادها	کلیت نمادهاست که هویت اجتماعی افراد را در تعاملات اجتماعی می‌سازد و می‌تواند حس تعلق به اجتماع را در بین آن‌ها ایجاد کند	شیز ۱۹۸۷
روایت هویت	الگوی فعالیت روزمره	سبک زندگی الگوهای ویژه‌ای از فعالیت‌های روزمره است که معرف یک فرد است.	ریمبر ۱۹۹۵

بررسی تعاریف مختلف اشاره شده در جدول فوق نشان می‌دهد که در رشته‌های مختلف علوم انسانی برداشت‌های متفاوتی از سبک زندگی ارائه شده است اما با مقایسه این تعاریف، می‌توان به چند ویژگی مشترک دست یافت که عبارت‌اند از:

- کاربرد سبک زندگی به معنای الگوی رفتاری
- عینی و کنش محور بودن آن
- منبع هویت‌یابی و روشی برای ابراز هویت بودن.

در سال‌های اخیر نیز با تخصصی شدن علوم انسانی و اجتماعی، به تدریج سبک زندگی با دقت بیشتری تعریف شد و استفاده‌های تخصصی از این مفهوم نظیر؛ رسانه‌های سبک

زندگی^۱ ورزش‌های سبک زندگی^۲، پزشکی سبک زندگی^۳، سیاست‌گذاری سبک زندگی^۴ و سبک زندگی فرهنگی^۵ در کار محققانی از قبیل اندرسون و جانسون^۶، حاکی از تخصصی‌تر شدن مفهوم‌سازی‌ها در مطالعات سبک زندگی است (حسنی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵).

ولی تعریفی که از سبک زندگی در این پژوهش مدنظر است، عبارت است از: «شیوه خاص زندگی که مراجع فرهنگی دولت رضاشاه پهلوی در صدد بودند تا آن را به‌عنوان الگوی رفتاری فرد، خانواده، یا جامعه ایرانی آن دوره معرفی، تبلیغ و جریان‌سازی کنند».

مؤلفه‌های سبک زندگی

گردون^۷ الگوهای مصرف، نوع لباس پوشیدن، نحوه صحبت کردن، نگرش‌ها و الگوهای مربوط به نقاط تمرکز علاقه‌مندی در امور فرهنگی مانند امور جنسی، عقلانیت، خانواده، میهن‌پرستی، آموزش، هنرها، فرهنگ و دین را از مؤلفه‌های سبک زندگی فرهنگی می‌داند. وارنر^۸ نحوه گذران اوقات فراغت، تفریحات و سلیقه‌های آموزشی، تفاوت‌های دینی، ارزش‌های سیاسی، الگوهای زندگی خانوادگی، روابط زناشویی و شیوه‌های تربیت را از مؤلفه‌های سبک زندگی می‌داند. نیازی و کارکنان نصرآبادی مؤلفه‌های سبک زندگی فرهنگی را شامل موارد زیر می‌دانند:

- الگوهای رفتاری: شیوه پوشش ظاهر، زبان و لهجه، طرز گذران اوقات فراغت، تفریحات و ورزش و...
- نمادهای فرهنگی: نمادهای ملی، نمادهای محلی، نمادهای سنتی، نمادهای مدرن (نیازی و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۹۲: ۱۸۵).

1. Lifestyle media
2. Lifestyle sports
3. Lifestyle medicine
4. Lifestyle policy
5. Cultural lifestyle
6. Andersson and Jansson
7. Gordon
8. Warner

کارکرد جشن‌های برپاشده از منظر سبک زندگی

برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی تبلیغ‌شده در جلسات، گردهمایی‌ها و جشن‌های برگزارشده در مناطق مختلف آذربایجان عبارت بودند از:

الف. ترویج پوشش‌های مدرن

یکی از وجوه اصلی در نظر گرفته‌شده برای جشن‌های گزینشی برپاشده در مناطق مختلف آذربایجان، نمایش، تبلیغ و اشاعه پوشش‌های رسمی و موردحمایت دولت برای اقشار مختلف مردم جامعه بود.

۱. نمایش لباس متحدالشکل

یکی از اقدامات صورت گرفته در دوره رضاشاه پهلوی، تلاش برای اتحاد شکل پوشاک اقشار مختلف جامعه بود. این سیاست از سال ۱۳۰۴ش یعنی تصویب قانون خدمت اجباری که بر اساس آن سربازان ملزم به پوشیدن یونیفرم سربازی شدند، شروع شد و به تدریج به سایر بخش‌های جامعه از جمله ادارات دولتی، بیمارستان‌ها، نظام آموزشی جدید، نظام پیشاهنگی و ... تسری یافت (بهنام، ۱۳۷۵: ۶۳). از مهم‌ترین این بخش‌ها، بخش آموزشی جامعه بود که از سال ۱۳۰۶ش. و با تأسیس نظام آموزش دولتی و تصویب آموزش عمومی اجباری رایگان، برای دانش‌آموزان و معلمان مدارس لباس متحدالشکل در نظر گرفته شد (محمدی و سیداحمدی ۱۳۹۶: ۸۶). در رابطه با اجرای این سیاست در نظام آموزشی آذربایجان محمدعلی صفوت نوشته است که در زمان ریاست دکتر احمد محسنی بر فرهنگ آذربایجان، دستوری از وزارت معارف رسید که دانش‌آموزان این خطه نیز باید لباس متحدالشکل دوخته‌شده از پارچه کازرونی را بپوشند... بنابراین برای دانش‌آموزان این خطه از کارخانه پارچه‌بافی حسین تبریزی، لباس متحدالشکلی به قیمت مناسب‌تر تدارک دیده شد (صفوت، ۱۳۹۴: ۱۶۰).

بعد از گذشت مدتی، دولت برای تبلیغ پوشش همسان در جامعه، تسری نظم مدرن مدنظر خود، دانش‌آموزان را به استعمال لباس متحدالشکل نه‌تنها در مدارس بلکه در بیرون از مدارس نیز ملزم نمود (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۱: ۲). بر اساس بخشنامه وزارت

معارف، همه دانش آموزان دبستان‌ها و دبیرستان‌ها می‌بایست لباس متحدالشکل خود را در خانه، محله و کوچه و همه‌جا به نمایش بگذارند (همان). در همین راستا بود که ادارات معارف آذربایجان مکلف می‌شوند برای اشاعه لباس متحدالشکل نزد مردم، در مراکز و نهادهای فرهنگی و میادین اصلی شهر و روستاها، مراسم و جشن‌های مختلفی ترتیب دهند تا طی آن معلمان و دانش‌آموزان با لباس و یونیفورم یک‌دست و یکسان، برنامه‌هایی را اجرا نموده و پوشش متحدالشکل خود را نزد اقشار مختلف جامعه به نمایش بگذارند (جعفری و همکاران، ۱۳۷۱: ۷۰). برای این منظور در مدارس و مناطق مختلف آذربایجان جشن‌های مختلفی تدارک دیده می‌شود چنان‌که در تبریز نیز بعد از تهیه مقدمات پوشش یکسان برای همه دانش‌آموزان مدارس مسلمان و مسیحی، از سوی اداره معارف استان، جشن ویژه‌ای با حضور خانواده‌ها و اهالی شهر تدارک دیده می‌شود تا همه دانش‌آموزان مدارس فعال در تبریز در یک روز و طی مراسمی، پوشش یک‌دست و متحدالشکل خود را به نمایش بگذارند. در آن روز، دانش‌آموزان که تعدادشان به چندین هزار می‌رسید، با نظم و ترتیب خاص و از قبل برنامه‌ریزی شده از مرکز شهر تا پل آجی، پوشش یکسان خود را به نمایش گذاشتند (صفوت، ۱۳۹۴: ۱۶۱).

یا در تاریخ ۲۴ اسفند و به مناسبت سالروز تولد رضاشاه، در جشن بزرگی از طرف عموم اهالی شهر تبریز برپا شد و ساعت ۳ عصر دسته‌جات محصلات و محصلین و پیش‌آهنگان با لباس متحدالشکل و بیرق‌های رنگارنگ و با نظم و ترتیب مخصوص به خودشان از محل اجتماع خود حرکت و پس از طی خیابان پهلوی منظم‌اً وارد باغ گلستان شده و پس از خواندن سرود ملی و ایراد نطق‌های مفصلی با سرور و شادی پایان یافت (اطلاعات، شماره ۲۷۴۱، ۱۳۱۵/۱/۶: ۳). و یا در جشن هزاره فردوسی در تبریز در روزهای ۱۴ تا ۱۶ مهرماه، شاگردان مدارس تبریز با خواندن سرود ملی تا باغ گلستان رفته و در آنجا جلوی مجسمه رضاشاه توقف نموده و پس از دادن نمایش و خواندن اشعار شاهنامه مراجعت نمودند (اطلاعات، ش ۲۳۰۳، ۱۳۱۳/۷/۱۰: ۳). چراکه دولت درصدد بود تا از نمایش یونیفورم متحدالشکل دانش‌آموزان در قالب جشن‌ها و مراسم‌های مختلف به‌عنوان ابزاری برای القای یکی از هنجارهای سبک زندگی مدنظر حکومت یعنی تبلیغ و ترویج همگنی و اتحاد شکل ملت در پوشش (محمدی و سید احمدی، ۱۳۹۶: ۸۹) برای ایجاد احساس هویت و تعلق جمعی بهره‌برداری کند.

۲. نهادهای سازی کشف حجاب زنان

بعد از این که سیاست‌گذاران فرهنگی دولت رضاشاه در ادامه طرح اتحاد شکل پوشش اقشار مختلف جامعه، تغییر در پوشش زنان را در دستور کار خود قرار داده و به مرحله اجرا گذاشتند، یکی از مناطقی که رفع حجاب بلافاصله بعد از ابلاغ در آنجا اجرا و پیاده شد، آذربایجان بود که مجریان محلی دولت در آذربایجان اقدامات زیادی را برای ترغیب و واداشتن زنان این خطه برای پذیرش پوشش جدید به عمل آوردند که بخشی از آن را استاندار وقت (فهیمی) در قالب گزارشی به تهران منعکس کرده است (ر. ک. به سند شماره ۳۱۰/۱۸۵۰۲ مورخ ۱۳۱۴/۱۱/۲۰). اما مهم‌ترین آن‌ها تدارک جشن‌های گزینشی بود که در آن‌ها زنان دولت‌مردان محلی با پوشش جدید حاضر شده و به انواع و اقسام ترفندها، زنان اقشار مختلف مردمی را برای تغییر پوشش سنتی خود تشویق می‌نمودند. در ابتدا بنا بر این شد تا مناسبت تقویمی ۱۷ دی به‌عنوان روز جشن ملی تجدد بانوان برای تبلیغ، تبیین، تشویق و ترویج پوشش جدید زنان جامعه ایرانی و از جمله در منطقه آذربایجان بهره‌گیری شود. اما از آنجایی که طبق گزارش استاندار آذربایجان شرقی به نخست‌وزیر وقت (مورخ ۱۳۱۶/۱۱/۱۹) مبنی بر این که، متأسفانه مأمورین دولتی در تبریز و سایر نقاط آذربایجان آن طوری که باید و شاید علاقه‌ای به حضور با همسران خود با پوشش جدید (بدون حجاب) ندارند. مثلاً در جشن ۱۷ دی که اختصاص به این امر دارد و طرف توجه ذات ملوکانه است باوجود دعوت اداره معارف و تأکیدات استانداری، باز غالب رؤسای ادارات به عذرهای غیرموجه حاضر نشده و یا در صورت حضور تنها آمده بودند و در بسیاری از شهرها به طوری که گزارش‌های محرمانه رسیده، همین وضعیت بوده است.» (جعفری و همکاران، ۱۳۷۱: ۳۶). از این رو وی پیشنهاد می‌کند که دستور محرمانه‌ای به عموم وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی صادر شود تا به نیروهای خود در ولایات آذربایجان تأکید کنند که حضور در این مجالس و محافل و اجتماعات معارفی، سخنرانی و خاصه مجالس نظیر جشن‌های ۱۷ دی و ۱۵ بهمن را از وظایف حتمی مأموریتی خود دانسته و به‌وسیله حضور خود و خانم‌هایشان، وسایل تشویق و ترغیب اهالی را فراهم آورند (همان). به همین علت نیز جشن‌های متنوعی توسط دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی از قبیل کانون افسران، کانون پرورش افکار، کانون بانوان، ادارات معارف و ... در شهرها و مناطق مختلف آذربایجان به راه

می‌افتد تا به ایفای نقش در راه تبلیغ و ترویج الگوی مدنظر دولت در زمینه پوشش زنان بپردازند. برای مثال در گزارش محرمانه‌ای که از قول کفیل ایالت آذربایجان غربی به وزارت داخله در سال ۱۳۱۴ ش از برگزاری مجالس باشکوهی در شهرهای رضائیه، ماکو، ساوجبلاغ، خوی، شاهپور و ... با حضور خانم‌های مقامات محلی و خوانین منطقه خبر می‌دهد که خطابه‌های تأثیرگذاری در رابطه با پوشش جدید زنان در آن‌ها خوانده می‌شود (ر. ک. به سند شماره ۹۵۲۹۷۹۵۸ مورخ ۱۳۱۴/۱۱/۵). و بعد از اتمام جشن‌ها نیز زنان با پوشش‌های بدون حجاب خود در خیابان‌ها گردش نموده‌اند تا در تربیت زنان و بانوان این شهرها برای همراهی با اصلاحات به‌عمل‌آمده توسط دولت پهلوی مؤثر افتد (سند شماره ۴۹، گزارش از مراسم جشن افتتاح رسمی کانون بانوان رضائیه، به نقل از جعفری و همکاران، ۱۳۷۱: ۱۰۹). یا برای مثال در عصر روز ۱۷ اسفندماه به مناسبت نهضت بانوان، در مجلس جشن باشکوهی در منزل آقای حسن فروتن منعقد شد که در آن تمام مدعوین با خانم‌هایشان حضور به هم رساندند (اطلاعات، ش ۲۷۴۰، ۱۳۱۵/۱/۵: ۴). و نیز ۲۳ خرداد ۱۳۱۵ و در جشن نصب سنگ بنای دانشسرای مقدماتی پسران ترتیب داده شده بود، وجوه اهالی شهر اعم از تجار، بازرگانان، اعیان، رؤسای ادارات موظف شده بودند که با خانم‌هایشان دعوت شده بودند (اطلاعات، شماره ۲۸۲۴، مورخ ۱۳۱۵/۴/۴).

ب. بازنمایی نمادهای ملی

هویت ملی به مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت افراد نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه کننده در سطح یک کشور به‌عنوان یک واحد سیاسی (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۹۷) اطلاق می‌شود که تجلی عینی و فیزیکی آن را نمادهای ملی تشکیل می‌دهند. علامت‌ها و نشانه‌های عینی و ملموسی که از طریق سبک زندگی در افراد تولید و بازتولید می‌شوند (نیازی، ۱۳۹۰: ۱۳۱). دولت رضاشاه هم که درصدد بود تا ملتی واحد آن‌هم بر اساس قرائتی خاص از هویت ملی به وجود آورد بود، تلاش کرد تا به کمک سازوکارها و روش‌های مختلف برخی از مؤلفه‌ها را به‌عنوان نمادهای ملی و فرهنگی در جامعه ایرانی (دیلمی معزی، ۱۳۸۷: ۲) به‌ویژه در مناطق قومی همچون آذربایجان تبلیغ و جریان‌سازی کند. یکی از مهم‌ترین سازوکارهای مورد استفاده مجریان و کارگزاران نظام

پهلوی، برپایی جشن و گردهمایی و جلسات گزینشی بود که در زیر به برخی از این جشن‌های برگزارشده برای بازنمایی نمادهای ملی اشاره می‌شود:

۱. انگاره‌سازی از رضاشاه نماد ایران

یکی از مهم‌ترین عناصر ایدئولوژی حاکم بر دولت پهلوی اول و جامعه ایرانی آن عصر را تعریف و تمجید از شخص رضاشاه به‌عنوان تکیه‌گاه ایران و محور اصلی کشور تشکیل می‌داد. موضوعی که از همان روز تاج‌گذاری رضاشاه بر آن تأکید شد. محمدعلی فروغی هنگام تاج‌گذاری رضاشاه، وی را «ایران‌نژاد، وارث تاج‌وتخت کیان، منجی ایران و احیاگر شاهنشاهی باستان» خوانده و به همه یادآوری کرد که مردم ایران از این به بعد در زندگی روزمره خود به رضاشاه بسان شاه شاهان و وارث تاج‌وتخت کیان و جانشین کوروش و داریوش و انوشیروان بنگرند (فردوست، ۱۳۸۲، ج ۲: ۴۱). از این رو، سیاست‌گذاران فرهنگی دولت پهلوی از همان سال ۱۳۰۴ تبلیغات گسترده‌ای برای جا انداختن پیوند سلطنت پهلوی با شاهان ایران باستان و ترسیم چهره‌ای آرمانی و ناجی از شخص رضاشاه به راه انداختند تا وی را نمونه‌ای از «شهریار و شاه آرمانی» ایرانشهری معرفی نمایند به‌گونه‌ای که مردم در زندگی روزمره جدید خود، رضاشاه را به‌عنوان نماد اصلی ایران مدرن و محور اصلی هویت و فرهنگ خود قلمداد کنند. یکی از مهم‌ترین ابزار تبلیغاتی این دوره، برپایی جشن بهانه‌های مختلفی از قبیل؛ سالگرد کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، ریاست‌وزاری (۱۳۰۲)، تولد (۲۴ اسفند ۱۲۵۶)، تاج‌گذاری (۴ اردیبهشت سال ۱۳۰۴)، رضاشاه و... بود تا شعار اساسی این دوره «خدا - شاه - میهن» را وارد سبک زندگی مردم نمایند. در این راستا بود که ستایش و تمجید از رضاشاه به‌عنوان یکی از نمادهای ملی و عناصر مهم سبک زندگی فرهنگی بخش وسیعی از مردم دوره پهلوی اول مطرح شد. برای مثال هر سال در شهرهای مختلف آذربایجان به مناسب تفویض قدرت به رضاشاه، مجالس جشن به همراه چراغانی شهرها برگزار می‌شد (ساکما^۱، ۱۳۰۴، سند شماره ۲۹۰۰۰۵۵۴۷). یا جشن‌های فرهنگی مختلفی به بهانه‌های از قبیل؛ تأسیس مدرسه، آغاز و پایان کار مدارس و پایان امتحانات و دادن کارنامه، پرورش افکار، تقویت زبان فارسی، جلسات سخنرانی و خطابه، سالگرد کشف

۱. سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

حجاب و... ترتیب داده می‌شد، یکی از محورها و مضامین اصلی تمامی این جشن‌ها و برنامه‌ها، به ستایش اقدامات و خدمات رضاشاه به ایران اختصاص می‌یافت تا جایی که برای همگان مشخص شود که باغبان صالح سرزمین ایران رضاشاه پهلوی است (روزنامه تبریز، ۲۱ تیر ۱۳۰۷: ۴). یا در ۲ تیرماه ۱۳۱۵ در جشن ویژه‌ای که با موضوع میهن‌پرستی ایرانیان با سخنرانی نصرالله فلسفی در سالن کتابخانه و قرائت‌خانه دولتی تبریز تدارک دیده شده بود، فلسفی، شرح مفصلی از شاه‌دوستی ایرانیان از قدیم‌الایام بیان کرد و اعلام نمود که ما نیز باید در این باره از نیاکان خود پیروی نموده و همیشه متصف به صفت شاه‌دوستی باشیم (اطلاعات، شماره ۲۸۳۰، ۱۰/۴/۱۳۱۵: ۳). همچنین گفتنی است که اغلب جشن‌های برگزارشده در جای‌جای ایران از جمله آذربایجان با سرود ملی شروع می‌شد که در آن آمده بود:

پر از مهر شاه است، ما را روان بدین کار داریم شاها توان
شها مهر تو کیش و آئین ماست پرستیدن نام تو، دین ماست
که جاوید بادا سر تاجدار خجسته بر او گردش روزگار

برای مثال در جشن هزاره فردوسی در تبریز در روزهای ۱۴ تا ۱۶ مهرماه، شاگردان مدارس با خواندن سرود ملی تا باغ گلستان رفتند (اطلاعات، ش ۲۳۰۳ مورخ ۱۰/۷/۱۳۱۳: ۳). یا برای مثال در تاریخ ۱۷ دی سال ۱۳۱۵ شمسی به بهانه کشف حجاب، مراسم جشنی در مدارس آذربایجان و از جمله دبیرستان دخترانه ایران دخت برگزار می‌شود که در روزنامه‌های آن دوره از جمله روزنامه تبریز منعکس شده است بدین شرح که پس از نطق رئیس معارف درباره اهمیت کشف حجاب، دانش آموزان سرودی خواندند که چند بیت آن به این شرح است:

پهلوی شاهنشاه ایران موجد فکر و بخت جوان

بخشید آزادی بانوان را زنده فرمود ایرانیان را (روزنامه تبریز، ۲۴ دی ۱۳۱۵: ۳).

یا در یکی دیگر از مراسم دانش‌آموزی برگزارشده در تبریز، تعدادی از دانش‌آموزان این سرود را زمزمه می‌کردند که:

ای نشان ایرانی، پرچم زن شو؛ هم تا به ابد شد خاطر همه مملکت شاد گویی از نوع شروع گشته آن عهد انوشیروان همایون عهد، همان عهد شاهنشاه ایران (روزنامه تبریز ۲ اردیبهشت ۱۳۱۰: ۳).

۲. آموزش و ترویج زبان فارسی

یکی از مهم‌ترین سازوکارهای مدنظر دولت پهلوی اول برای اتحاد شکل و یکسان‌سازی جامعه ایرانی را رواج زبان و ادبیات فارسی بود. چراکه سیاست‌گذاران فرهنگی نظام سیاسی، آموزش و ترویج زبان و ادبیات فارسی را مهم‌ترین وسیله و راهکار از بین بردن تفاوت‌ها و اختلافات قومی و محلی از حیث زبان و رسیدن به وحدت ملی در ایران تعریف کرده بودند (افشار، ۱۳۰۴: ۴). از این رو اقدامات مختلفی برای آموزش و اشاعه زبان فارسی نزد اقشار مختلف مردم آذربایجان صورت گرفت برای مثال وزارت معارف بخشنامه‌ای برای ادارات تعلیمات مناطق کشور ایران و از جمله ولایات آذربایجان فرستاد که در آن آمده بود که ارزش و اهمیت زبان و ادبیات فارسی به اندازه‌ای است که اهتمام برای اشاعه و ترویج آن نیاز به حجت و برهان نیست اما لهجه‌های محلی مانع اصلی عدم تسلط دانش آموزان آن مناطق به زبان ملی و وطنی خودشان معرفی است بنابراین انتشار لهجه‌های محلی و زبان عوام‌الناس مضار و مفاسدی ایجاد می‌کند که باید وزارت معارف با تمام وسایل، لهجه‌های عوامانه محلی را که یادگار استیلای اقوام مهاجم است برانداخته و زبان واحد ملی را در سراسر کشور علی‌السویه انتشار دهد (ساکما، ۱۳۱۵، سند شماره ۹۵۲۹۷۹۵۸). به همین علت هم بود که وزارت معارف یکی از اصلی‌ترین مأموریت‌های خود در آذربایجان را آموزش زبان فارسی در میان مردم این منطقه و ترویج ادبیات فارسی قرار داده بود چنان‌که صفوت در این زمینه می‌نویسد: «آقای فیوضات از بدو ورود و مأموریت خود به عملی کردن بعض نیات اساسی اقدام نمود. در درجه اول، مسئله توحید زبان و ترویج ادبیات فارسی در آذربایجان بود» (صفوت، ۱۳۹۴: ۱۳۹). و در همین راستاست که برپایی جلسات سخنرانی، گردهمایی‌ها، جشن‌های مختلف و... برای آموزش و ترویج زبان فارسی در اولویت کاری مسئولان و مقامات دولتی مستقر در شهرها و روستاهای آذربایجان از جمله: تبریز، اردبیل، مراغه، رضائیه، ارومیه، خوی و... قرار می‌گیرد (ر.ک. به تصویر شماره ۱

مندرج در ضمایم). یا برای مثال فرماندار تبریز در گزارشی به نخست‌وزیر وقت اطلاع می‌دهد که اعزام سخنوران فارسی‌زبان میان اقشار مختلف مردم آذربایجان از جمله اقدامات تأثیرگذاری است که می‌تواند تنویر افکار عمومی و تصفیه اخلاق آن‌ها را در پی داشته باشد. بعد برای اثبات ادعای خود به مجالس سخنرانی تدارک‌دیده‌شده برای آقای اورنگ به ترتیب در دانشسرای دخترانه، باغ گلستان و دانشسرای پسران اشاره می‌کند و در انتهای گزارش خود نیز این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که حضور آقای اورنگ در آذربایجان و تبریز باعث بروز تغییرات کلی در روحیات اهالی شده است (دلفانی، ۱۳۷۶: ۱۵۵). یا در گزارش دیگری وزیر کشور به نقل از استاندار آذربایجان شرقی از برپایی جلسات هفتگی سخنرانی‌های پرورش افکار برای مردم در تبریز که باهدف ترویج زبان فارسی برگزار می‌شود، بحث کرده و نتیجه می‌گیرد «... چون اهالی استان‌های سوم و چهارم سوای عده معدودی به‌هیچ‌وجه زبان فارسی نمی‌دانند، از این سخنرانی‌ها ... نتیجه حاصل نشده و موضوع بسط و توسعه تعمیم زبان فارسی در این نقاط آن طوری که باید پیشرفت نموده است و پیشنهاد می‌کند که برای تعمیم زبان فارسی در آذربایجان که از لحاظ موقعیت محل حائز درجه اول است، کمیسیونی در وزارت کشور تشکیل و برنامه‌ای تهیه و به اجرا گذاشته شود (ساکما، ۱۳۱۹ سند شماره ۰۳۸۶۶۷-۳۱۰).

۳. تمجید از فرهنگ و تمدن ایران باستان

باستان‌گرایی از عناصر محوری ایدئولوژی دولت پهلوی اول بود تا بلکه بتواند با احیاء و تجدید حیات سنت‌ها و عقاید کهن و قدیمی، نظم جدیدی را در اندیشه و شیوه زندگی جامعه بازتولید نموده و زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی نوینی را بر پایه سنت‌های کهن بنا نهد (اکبری، ۱۳۷۵: ۱۸۸). به همین علت هم بود که دولت پهلوی اول با توسل به سازوکارها و ابزارهای مختلف از جمله روزنامه‌ها، مجلات، کتب درسی و غیردرسی، وزارت معارف، سازمان پرورش افکار و... تلاش نمود تا بلکه بتواند تمجید و تعریف از فرهنگ و تمدن ایران باستان را به زندگی روزمره مردم جامعه تسری دهد البته گفتنی است که در همه این تعریف و تمجیدها این شاهنشاه بود که محور اصلاحات و سمبل اقتدار و عظمت ایران باستان معرفی می‌شد (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۱۱۲).

از مهم‌ترین راهکارهای دولت‌مردان پهلوی اول برای تبلیغ، ترویج و اشاعه باستان‌گرایی برگزاری جشن‌های مختلف در مناطق مختلف آذربایجان بود که از جمله آن‌ها می‌توان به جشن تاج‌گذاری، جشن هزاره فردوسی، کمیسیون‌ها و گردهمایی‌های آموزش و رواج ادبیات و زبان ایران باستان، تاریخ‌نگاری ایران باستان با محوریت مقایسه اوج عظمت و درخشش ایران باستان با انحطاط و پس رفت ایران دوره اسلامی، برگزاری جلسات سخنرانی و پرورش افکار با طرح و برجسته‌سازی محورهایی از قبیل تأکید بر یکتایی نژاد آریایی، پرداختن به تاریخ شاهان قدیم و نشان دادن عظمت آنان و ... اشاره کرد. برای مثال بر اساس گزارش استانداری آذربایجان، مجالس سخنرانی پرورش افکار به همراه موسیقی و نمایش هر هفته حداقل یک جلسه برگزار می‌شد (ساکما، ۱۳۱۹ سند شماره ۰۳۸۶۶۷-۳۱۰). اغلب این جشن‌ها، مجالس سخنرانی و خطابه‌ها ترویج و اشاعه باستان‌گرایی با دعوت از افرادی همچون عبدالحسین اورنگ، محمد حجازی، رضازاده شفق و... برگزار می‌شد (ساکما، ۱۳۱۹ سند شماره ۰۰۱۵-۰۳۸۶۶۷-۳۱۰). از دیگر اقدامات صورت گرفته در این زمینه شاهنامه‌خوانی بود برای مثال در جشن هزاره فردوسی به مدت یک هفته در مناطق مختلف شهر تبریز شاهنامه‌خوانی صورت می‌گیرد (اطلاعات، ش ۲۳۰۳، ۱۳۱۳/۷/۱۰: ۳) تا به‌زعم خودشان با تأکید بر فرهنگ و تاریخ باستانی زمینه را برای ایجاد وحدت فکری، اتحاد معنوی و اتفاق کلمه و تقویت روحیه ملی‌گرایی و پی‌ریزی هویت واحد از طریق ترویج افکار میهن‌پرستی و شاه‌پرستی و امحاء تشنت، تنوع و جداسری و در یک کلام تربیت اراده قدرتمند ملی فراهم نمایند (ستاری، ۱۳۹۵: ۵).

نتیجه‌گیری

یکی از ابعاد سیاست فرهنگی دولت رضاشاه در جامعه تلاش برای زدودن مظاهر تنوع و تکرار از طریق همانندسازی تعمدی در جامعه و به‌ویژه در میان اقوام ایرانی بود. برای رسیدن بدین هدف تغییر در سبک زندگی مردم به تأسی از کشورهای اروپایی و غربی در دستور کار حکومت قرار گرفت از جمله در حوزه‌هایی همچون تغییر ظواهر، متحدالشکل کردن البسه مردم و رفع حجاب، ترویج فرهنگ کهن ایرانی، حاشیه‌رانی مظاهر بومی و سنتی، تغییر نظام آموزشی و... یکی از مهم‌ترین مکانیسم‌های تبلیغ و اشاعه سبک زندگی مدنظر دولت

رضاشاه نزد مردم آذربایجان، برپایی جشن‌ها، گردهمایی‌ها و برنامه‌های گزینشی بود. چراکه حکومت پهلوی دریافته بود که برپایی جشن و مراسم جمعی از یک سو می‌تواند در بالا رفتن روحیه جمعی تأثیرگذار باشد و از سوی دیگر فضا را برای تغییر افکار و پذیرش ارزش‌ها و آموزه‌های جدید و الگوهای تبلیغی مدنظر برگزارکنندگان آن فراهم سازد، از این رو، برپایی جشن و برگزاری جلسات و برنامه‌های گزینشی به‌عنوان یکی از مجاری تبلیغ، ترویج و پرورش افکار مردم با ابعاد مختلف سبک زندگی مدنظر دولت جهت انتقال فرهنگی مردم آذربایجان از هویت سنتی و بومی به هویت فرهنگی جدید در نظر گرفته شد.

از مهم‌ترین محورهای ترویج‌شده از سبک زندگی مدرن در این جشن‌ها می‌توان به عناصر مختلفی در دو بُعد الگوها و نمادهای فرهنگی اشاره کرد. در بعد الگوهای رفتاری، نمایش پوشش‌های رسمی و موردحمایت دولت برای اقشار مختلف مردم جامعه از جمله زنان، ترویج معاشرت‌های مختلط مردان و زنان، نحوه گذران اوقات فراغت، آموزش و ترویج صحبت کردن به زبان فارسی و در نمادهای فرهنگی نیز شاه‌دوستی و وفاداری به شاه و تبیین پیشرفت‌های اقتصادی و نظامی کشور به دست رضاشاه و ترویج و اشاعه باستان‌گرایی و... از مهم‌ترین آن‌ها بودند.

اما نکته اینجاست که جشن‌های و برنامه‌های گزینشی تدارک‌دیده‌شده برای ترویج و اشاعه سبک زندگی حامل گفتمان فرهنگی دولت پهلوی در مناطق مختلف آذربایجان، آن‌چنان‌که انتظار می‌رفت، مؤثر نیفتاد زیرا گفتمان مسلط اشاعه‌دهنده سبک زندگی فوق‌بر مبنای مؤلفه‌هایی همچون اقتدارگرایی، اصلاحات از بالا (تجدد آمرانه)، ملی‌گرایی افراطی، سکولاریسم از یک طرف و حاشیه‌رانی، طرد و نفی برخی از عناصر اصلی هویت بومی و محلی این منطقه از جمله زبان و ادبیات، پوشش، پیشینه تاریخی، موسیقی و... طراحی شده بود که نتیجه‌اش ظهور دولت مطلقه‌ای بود که نه تنها نتوانست با اصلاحات خود، جامعه ایران را از صورت‌بندی سنتی به صورت‌بندی مدنظر حکومت سوق دهد بلکه موجب پیدایش شکاف عمیق‌تری میان اقوام ایرانی و نیز اقشار سنتی جامعه با دولت و نظام سیاسی شد. همچنین تنوع قومی مردم منطقه، شکاف‌های فرهنگی و اجتماعی را به‌ویژه در دوره ضعف دولت مرکزی عمیق‌تر کرده و زمینه لازم را برای اقدامات گریز از مرکز برخی از افراد و جریانات سیاسی فعال در این منطقه فراهم نمود.

منابع

اسناد

- آرشیو اسناد ملی ایران، سند شماره ۰۰۱۵-۰۳۸۶۶۷-۳۱۰ مورخ ۱۳۱۹/۴/۱۵
- _____، سند شماره ۲۹۰۰۰۵۵۴۷ مورخ ۱۳۰۴/۸/۱۹
- _____، سند شماره ۰۰۱۳-۰۳۸۶۶۷ مورخ ۱۳۱۹/۱۱/۲۱
- _____، سند شماره ۳۱۰/۱۸۵۰۲ مورخ ۱۳۱۴/۱۱/۲۰
- _____، سند شماره ۴۶۵۴۲۰۳-۹۵۲۹۷۹۵۸ مورخ ۱۳۱۵/۹/۱۲

روزنامه‌ها

- روزنامه اطلاعات، سال ۱۳۱۳، شماره ۲۳۰۳.
- _____، سال ۱۳۱۵، شماره‌های: ۲۷۴۱، ۲۸۳۰، ۲۷۴۰، ۲۸۲۴.
- روزنامه تبریز، سال ۱۳۱۵، شماره ۷۷.
- _____، سال ۱۳۱۰، شماره ۳.

کتاب‌ها

- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۳)، *دولت و فرهنگ در ایران*، تهران، مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.
- امیر احمدی، احمد (۱۳۷۳)، *خاطرات نخستین سپهبد ایران*، به کوشش زرگری نژاد، تهران، مؤسسه پژوهشی و مطالعات فرهنگی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی ولیلایی. چاپ شانزدهم، تهران: نشر نی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۱)، *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه محمدابراهیم فتاحی، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.
- آوری، پیتر (۱۳۷۶)، *تاریخ معاصر ایران*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، ج ۲، چاپ سوم. تهران: عطایی.

- بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، *دییاجه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران دوره جمهوری اسلامی ایران*، تهران، نگاه معاصر.
- بهنام، جمشید (۱۳۷۵)، *ایرانیان و اندیشه تجدد*، تهران، نشر فروزان.
- حکمت، علی‌اصغر (۱۳۵۵)، *سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی*، تهران، نشر وحید.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۳۱)، *حیات یحیی*، ج ۴، تهران، کتاب‌فروشی ابن‌سینا.
- دلفانی، محمود (۱۳۷۶)، *فرهنگ ستیزی در دوره رضاشاه (اسناد منتشرنشده سازمان پرورش افکار)*، تهران، اسناد ملی ایران.
- ساتن، الول (۱۳۳۷)، *رضاشاه کبیر یا ایران نو*، ترجمه عبدالعظیم صبوری، چاپ دوم، تهران: تابش.
- سازمان اسناد ملی ایران (۱۳۷۱)، *خشونت و فرهنگ، اسناد محرمانه کشف حجاب (۱۳۱۲-۱۳۱۳ س)*، تهران، مدیریت پژوهش، انتشارات و آموزش.
- ستاری، جلال (۱۳۹۵)، *سازمان پرورش افکار و هنرستان هنرپیشگی*، تهران، نشر مرکز.
- شریفی، احمدحسین (۱۳۹۱)، *همیشه‌بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)*، قم، نشر معارف.
- شیری آذر، حبیب (۱۳۸۶)، *والیان آذربایجان از ۱۳۰۴ تا ۱۳۳۰*، تهران، نشر خجسته.
- صدیق، عیسی (۱۳۴۷)، *تاریخ فرهنگ ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- صفوت، محمدعلی (۱۳۹۴)، *تاریخ فرهنگ آذربایجان*، تهران، نشر منشور سمیر.
- صلاح، مهدی (۱۳۸۴)، *کشف حجاب، زمینه پیامدها و واکنش‌ها*، تهران، توسعه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۱)، *خاطرات یک نخست‌وزیر (دکتر احمد متین‌دفتری)*، تهران، علمی، چاپ دوم.
- فتحی، مریم (۱۳۸۳)، *کانون بانوان، چاپ اول*، تهران، مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- فرمانفرمایان، ستاره (۱۳۷۷)، *دختری از ایران*، به کوشش ابوالفضل طباطبایی، چاپ اول، تهران، نشر کارنگ.

- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۶۶)، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا سقوط رضاشاه*، ترجمه محمدرضا نفیسی، چاپ اول، تهران، پایپروس.
- کرونین، استفانی (۱۳۸۳)، *رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین*، ترجمه مرتضی ثاقب فر، چاپ اول، تهران، نشر جامی.
- کسرابی، محمدسالار (۱۳۷۹)، *چالش سنت و مدرنیته در ایران از مشروطه تا ۱۳۲۰*، چاپ اول، تهران، نشر مرکز.
- مجتهدی، مهدی (۱۳۸۱)، *رجال آذربایجان در عصر مشروطیت*، تهران، نشر زرین.
- مختاری اصفهانی (۱۳۹۶)، *حکایت حکمت، زندگی و زمانه علی‌اصغر حکمت*، تهران، نشر نی.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، *سروح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه*، ج ۳، تهران، زوار.
- مک کی، ساندرا (۱۳۸۰)، *ایرانی‌ها*، ترجمه شیوا رویگریان، چاپ اول، تهران، ققنوس.
- مکی، حسین (۱۳۶۲)، *تاریخ بیست‌ساله ایران*، ج ۶، تهران، نشر ناشر.
- مؤمن، ابوالفتح (۱۳۹۰)، *دریچه‌ای به تاریخ معاصر ایران*، چاپ اول، تهران، سوره مهر.
- واحد، سینا (۱۳۶۱)، *قیام گوه‌رثساد*، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
- واقعه کشف حجاب، اسناد منتشرشده از واقعه کشف حجاب (۱۳۷۱)، *به اهتمام مرتضی جعفری، صغرا اسماعیل‌زاده و معصومه فرثسچی*، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- هال، استوارت (۱۳۸۶)، *عرب و بقیه؛ گفتمان و قدرت*، ترجمه محمود متحد، تهران، نشر آگه.
- هیوارد، سوزان (۱۳۸۱)، *مفاهیم کلیدی در مطالعات سینمایی*، ترجمه فتاح محمدی، تهران، نشر هزاره.

مقاله‌ها

- افشار، محمود، «مطلوب ما وحدت ملی ایران»، *آینده*، شماره ۱، ۱۳۰۴.

- بی‌نا، «سندهای بدون شرح؛ متحدالشکل کردن لباس و کشف حجاب»، *فصلنامه مطالعات تاریخی*، شماره ۳۴، ۱۳۹۰.
- حاجیانی، ابراهیم، «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، *مطالعات ملی*، شماره ۵، ۱۳۸۰.
- حسنی، محمدحسین، ذکایی، محمدسعید، طالبی، ابوتراب و انتظاری، علی، «مفهوم‌سازی سبک زندگی فرهنگی»، *جامعه پژوهی فرهنگی*، شماره ۱، ۱۳۹۶.
- دیلمی معزی، امین، «هویت‌سازی ملی در عصر رضاشاه: روش‌ها و ابزارها»، *پژوهش‌نامه تاریخ*، شماره ۱۰، ۱۳۸۷.
- سلماسی‌زاده، محمد، قدیمی قیداری، عباس، دهقانی، رضا و پروان، بیژن، «سازمان پرورش افکار و تلاش برای تغییر سبک زندگی جوانان در عصر رضاشاه پهلوی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، شماره ۵۶، ۱۳۹۸.
- کاظم‌زاده ایرانشهر، حسین، «دین و ملیت»، *مجله ایرانشهر*، شماره ۱ و ۲، ۱۳۹۳.
- کجباف، علی‌اکبر و احمدوند، زینب، «جریان باستان‌گرایی و تشکیل حکومت پهلوی»، *فصلنامه پژوهش در تاریخ*، شماره ۵، ۱۳۹۰.
- گیویان، عبدالله و سروی، محمد، «بازنمایی ایران در سینمای هالیوود»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، شماره ۴، ۱۳۸۸.
- محمدی، منظر و سید احمدی زاویه، سیدسعید «لباس متحدالشکل: بازنمایی قدرت و مدرنیته (دوران پهلوی اول)»، *تاریخ ایران*، شماره ۳، ۱۳۹۶.
- نیازی، محسن و کارکنان نصرآبادی، محمد، «بررسی رابطه بین میزان دین‌داری و سبک زندگی»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۱۶، ۱۳۹۰.
- نیازی، محسن، «رابطه بین سبک زندگی و میزان هویت ملی»، *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شماره ۲۴، ۱۳۹۰.

سند شماره ۳. گلایه وزیر کشور از موفقیت‌آمیز نبودن جشن‌ها و جلسات پرورش افکار در آذربایجان



وزارت کشور
اداره - اطلاعات

تاریخ ۱۱/۴/۱۳۴۹
شماره ۷۸۴۴ / ۲۴۵۴
پیوست

جناب آقای نخست‌وزیر

استانداری سم در باب سخنرانیهای پرورش افکار در ضمن گزارش داده اند و اثرهاینگه
 * جلسات سخنرانی هفته یکبار تشکیل و برای تشویق اهالی بخیر در این جلسات قطعات
 موسیقی و نمایشهایی نیز در برنامه مشیر شده ولی چون اهالی استانهای سم و چهارم
 سواى عده معدودی بهچگونه زبان فارسی نمیدانند از این سخنرانیهاکه منظور اصلی آن
 پرورش افکار توده است نتیجه حاصل نشده و موضوع بسط و توسعه تعمیم زبان فارسی در این
 نقاط آنطوری که باید پیشرفت نمود . بنظر استانداری نامبرده برای انجام منظور لازم
 دانسته که به تعداد کلاسهای شبانه و مراقبت در حضور سالفندان افزوده شده و همچنین
 کودکانی شبانه روزی برای کودکان تحت آموزش آموزگاران فارسی زبان تاسیس گردد
 و حتی نقد و اهتمام شود که در تمام مراحل تحصیلی آموزش برای عموم برپاگان باشد
 بعلاوه پیشنهاد نموده است ترتیبی داده شود که کارمندان کلیه وزارتخانه ها و ادارات
 دولتی و نگاهبانان فارسی زبان بوده و برای نامبرین نامبرده حرف زدن ترکی با ارباب رجوع
 * مطلقاً ممنوع شود .
 برای تأمین هزینه این اقدامات استانداری معتقد است که از درآمد اوقاف محل استفاده
 گردد و وزارت فرهنگ بویژه در سال جاری قدهای بلندی بحمل تاسیس آموزشگاه ها
 و کودکانها در استان نامبرده برن داشته اند و وزارت کشور نیز تاکنون نهایت همکاری را در
 این موضوع نمود مولى البته این اقدامات کافی نبود و برای تعمیم زبان فارسی در تمام مناطق
 که بزبان غیر فارسی متکلم هستند بویژه در استانها سم و چهارم که از لحاظ موقعیت محل
 حائز درجه اول اهمیت میباشد عقیده مند است کمیته‌ی دروزارت کشور با شرکت
 نمایندگان وزارت فرهنگ تشکیل و برنامه تهیه و تقدیم گردد تا پس از تصویب هیئت دولت
 بموقع اجرا گذارده شود .

وزیر کشور


۱۱۰۱۱۲۲

سند شماره ۴. گزارش برگزاری جشن کشف حجاب زنان در رضائیه و نمایش تغییر لباس خود در خیابان‌های شهر (مورخ ۱۳۱۴/۱۱/۵).




سند شماره ۵. بخشنامه ترویج زبان فارسی در میان اقشار مختلف مردم آذربایجان
(مورخ ۱۳۱۵/۹/۱۲)

TSR Watermark Image - Unregistered version - This line is removed when registered



تاریخ: ماه
نوع: ضمیمه

شماره: ۳۳
جمهوری اسلامی ایران
مدیریت منطقه شمال غرب کشور
تبریز



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره:
دایره:

((متحد المال))

اداره تعلیمات ولایات

نمبر ۳۱۷۲ ر ۹۸۵۲
۱۳۱۵ ر ۹/۱۲

ورود شماره ۹۱۱ (۱۳۱۵/۹/۱۲)
دفتر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

لطف‌زبان فارسی و شیرینی کلام سخنوران و داستان سرایان ایرانی بدوجه ای
محموس و معلوم است که سخی در ترویج آن محتاج به ذکره قدمه و دلیل نمیباشد. متاسفانه
در بعضی نقاط مملکت لایحه های محلی مانع از آن است که دانش آموزان جوان بزودی به
زبان ملی و وطنی خود بطوری مسلط شوند که دروس عالیه علمی و ادبی را فهم نمایند. بعلاوه
انتشار لایحه های محلی و زبان عوام الناس ضرر و مفاسدی ایجاد میکند که بمابذ وزارت معارف
با تمام وسائل لایحه های عوامانه محلی را که یاد کار استیلا اقوام میجامد برانداخته و زبان
و لحن ملی را در سرآوردن شور و غلی السویه انتشار دهد. بنابراین همانطور که در جلسه مشورت
معرفی در اسفند ماه مطرح شده و صورت آن در شماره مجله تعلیم و تربیت -
مندرج است نکات ذیل را که نافع به ترویج و تصمیم این زبان در میان سایر طبقات ایرانی غیر
فارسی زبان است، مدنظر میبود تا در اعمال آن کمال کوشش نمود و در رحد و وسایل موجوده
اجرا آنرا عملی نمایند.

- ۱- تعیین آموزگاران فارسی زبان برای کلاس اول ابتدائی و کلاس مکالمه -
- ۲- تعیین دو جلسه سخنوری فارسی در هفته برای کلاس سوم ابتدائی به بالا -

شماره ۵/۲۸
۱۳۱۵
۸۴۴۹

ب- عکس‌ها

تصویر شماره ۱. عکس جلسهٔ پرورش افکار در اردبیل با سخنرانی آقای اورنگ
(مورخ ۱۳۱۹/۶/۵)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تصویر شماره ۲. جشن برگزار شده در آذربایجان (جلفا و هادی شهر) برای نمایش و ترویج کشف حجاب



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تصویر شماره ۵. پوشش یونیفرم متحدالشکل توسط دانش‌آموزان مدرسه دولتی پهلوی رضائیه در سال ۱۳۰۷ شمسی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی